

گزارش

طیبنیا: ۴۰۰ مجوز غیر ضروری فعالیت‌های اقتصادی حذف شد

● **شرق:** بهبود فضای کسب‌وکار یکی از خواسته‌های دیرین و مهم بنگاه‌های اقتصادی است که بارها بر آن تاکید داشته‌اند. از همان ابتدای روی‌کارآمدن دولت یازدهم، مسئولان وعده داده بودند که گام‌هایی در راستای حذف موانع مهم در این راه برداشته می‌شود. بر همین اساس علی‌طیبنیا، وزیر امور اقتصادی و دارایی دیروز در پنجمین اجلاس نمایندگان دوره ششم اتاق اصناف ایران خبر از حذف ۴۰۰ مجوز غیر ضروری فعالیت‌های اقتصادی داد. طیبنیا گفت: دو وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی به همراه سازمان بورس، ۴۰۰ مجوز غیر ضروری برای فعالیت‌های اقتصادی را داوطلبانه حذف کردند. وی افزود: در مرحله نخست لغو مجوزهای غیر ضروری، یک هزار و ۸۰۰ مجوز توسط دستگاه‌های ملی و ۲۰۰ مجوز نیز از طریق دستگاه‌های استانی شناسایی شده که از این تعداد ۱۲۰ مجوز مربوط به اصناف است. به گزارش ایرنا، وی افزود: از هیات رئیسه اتاق اصناف ایران درخواست کرده‌ایم که برای شناسایی و حذف مجوزهای زائد با ما همکاری کنند. وی با تاکید بر اینکه قدم‌هایی مؤثر برای حذف مجوزهای غیر ضروری برداشته شده است، گفت: در مرحله بعدی، صدور مجوزهای باقی‌مانده را آغاز خواهیم کرد. طیبنیا گفت: به دستگاه‌های زیرمجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی همچون سازمان امور مالیاتی، گمرک، سازمان خصوصی‌سازی، بانک‌ها و بیمه‌ها اعلام کرده‌ایم که اگر بتوانیم قدم مؤثری در بهبود محیط کسب و کار برداریم، به‌طور قطع جایگاه ما ارتقا پیدا خواهد کرد و به دنبال آن بخش خصوصی نیز احساس می‌کند در فضایی سهل‌تر فعالیت دارد. طیبنیا افزود: آمارها نشان می‌دهد که دودمیلون واحد صنفی در ۳۹۷ شهرستان کشور فعالیت می‌کنند که اگر واحدهای صنفی بدون پروانه را نیز حساب کنیم، این رقم به سه‌میلیون واحد صنفی افزایش می‌یابد. وی گفت: اصناف با اشتغال‌زایی شش نفره، ۱۷ درصد تولید ناخالصی داخلی را برعهده دارد و این نشان می‌دهد جایگاه اصناف ایران در اشتغال، اقتصاد و توزیع عادلانه درآمد است.

طیبنیا با اشاره به اجرائی‌شدن طرح جامع مالیاتی تا بهمن امسال گفت: بالا بودن و تعدد نرخ‌های مالیاتی یکی از مشکلاتی است که با آن مواجه بودیم که در این زمینه ضمن کاهش تعداد طبقات درآمدی، میزان مربوط به هر طبقه نیز افزایش یافت و نرخ مالیاتی از ۳۵ به ۲۵ درصد کاهش پیدا کرد. وی گفت: وقتی نرخ‌ها عادلانه باشد، اصناف در برابر پرداخت مالیات کاهش می‌یابد. قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت هم در این اجلاس از نبود شفافیت لازم در قوانین و تداخل قوانین سام و خاص انتقاد کرد و خواستار رفع این معضل در مجلس جدید شورای اسلامی شد. مجتبی خورساج به معضل تداخل قوانین عام و خاص اشاره کرد و گفت: در بخش قانون‌گذاری بی‌دقتی شده و برخی قوانین از شفافیت لازم برخوردار نیست. وی تاکید کرد: از مجلس جدید انتظار می‌رود که به تعیین تکلیف مغایرت‌های قانونی بپردازد تا شاهد مزاحمت برای تشکل‌های صنفی نباشیم.

در این اجلاس همچنین، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به اینکه در ۷۸۸ شهرک و ناحیه صنعتی کشور زمین واگذار می‌شود، گفت: در سال ۱۳۹۵ در بیش از ۵۰۰ شهرک و ناحیه صنعتی هیچ‌گونه افزایش قیمتی برای واگذاری زمین به شهرک‌های صنعتی لحاظ نشده است. علی‌یزدانی در پنجمین اجلاس نمایندگان دوره ششم اتاق اصناف ایران افزود: علاوه بر اینکه در ۵۰۰ شهرک و ناحیه صنعتی افزایش قیمتی لحاظ نشده است، اقساط طولانی‌تر شده است و پیش‌پرداخت‌ها را کاهش داده‌ایم. وی با اشاره به صدور دستورالعملی برای استقرار اصناف در شهرک‌های صنعتی گفت: رستمان سال گذشته برای استقرار دوهزار و ۵۰۰ واحد صنفی با قیمت توافق‌شده اصناف و با شرایطی که برای واحدهای صنعتی مورد توجه قرار می‌گیرد، تصمیم به استقرار واحدهای صنفی در شهرک‌های صنعتی گرفتیم.

رئیس سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی گفت: در حال حاضر از مجموع ۸۷ هزار واحد صنعتی کشور، بیش از ۷۹ هزار واحد جزء صنایع کوچک محسوب می‌شود که ۴۰ درصد اینها زیر ۱۰ نفر اشتغال دارند، اما این اجلاس با انتقادات رئیس اتاق اصناف ایران همراه بود. رئیس اتاق اصناف ایران گفت: نگاه به صنایع به‌عنوان پیشانی بخش خصوصی کشور و با دارا بودن بیش از ۱۷٫۵ درصد تولید ناخالصی داخلی، در برنامه ششم توسعه مثبت نیست. علی فاضلی افزود: اتاق اصناف ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد مدنی غیردولتی کشور با جمعیت ۲۴ میلیون نفری، دارای ۶۵۰ هزار بنگاه کوچک و متوسط تولیدی، یک میلیون و ۳۰۰ هزار بنگاه کوچک و متوسط توزیعی، ۸۵۰ هزار بنگاه خدمات فنی و شش‌میلیون و ۵۰۰ هزار شغل، ۱۷٫۵ درصد از تولید ناخالصی داخلی کشور را تأمین می‌کند. به گفته این مقام مسئول، اصناف در بیشتر زنجیره اقتصادی کشور نقش محوری داشته و بدون آنها اقتصاد توان تحرک ندارد.

ادامه از صفحه ۵

۲ **ما** در حال حاضر انتظارات

جامعه حداقلی نشده است؟

انتظارات جامعه حداقلی شده اما وقتی این گروه به مجلس می‌رود و نمی‌تواند تغییر ایجاد کند به این باور می‌رسیم که اینجا هم نمی‌توانند. اگر قرار بود اختلاف شکل بگیرد باید چه می‌کردیم؟ باید از اول یک گروه مذاکره به وجود می‌آمد و می‌گفتند ما قصد گرفتن ۳۰ کرسی را نداریم اما می‌توانیم ۱۰ نفر از شما و ۱۰ نفر از خودمان داشته باشیم؛ یا حتی اکنون هم بگوییم ما پنج نفر از نیروهای خودمان را برمی‌داریم تا پنج نفر از گروه شما به مجلس بروند. این شاید ساده‌ترین شکل بازی است که شما بگویید شما را هم در قدرتی که به دست آورده‌ام شریک می‌کنم؛ اما حتی معتقد نیستم ائتلاف به این صورت پدید بیاید. این کار می‌تواند به کاهش فضای خصومت‌آمیز در کشور منجر شود. مانند امتیازی که دولت آقای روحانی داد و فضای تخاصص را کاهش داد. چطور می‌توانیم به سمت ائتلاف برویم؟ ائتلاف به دو شکل به وجود می‌آید از بالا یا از پایین. ائتلاف از بالا زمانی صورت می‌گیرد که قدرت فوقانی در جامعه بتواند کل این جریان‌ات را مدیریت کند؛ به نظر می‌رسد این کار در ایران خیلی سخت است. می‌خواهم بگویم چطور قدرت فوقانی گاهی نمی‌تواند ائتلاف را شکل دهد؛ بهترین مصداقش امام(ره) است که قدرت فوقانی بود و می‌خواست جریان‌ات با هم ائتلاف کنند؛ اما پایین‌دست با هم در جنگ بودند، یعنی وقتی جریان‌ات اول انقلاب تفکیک می‌شدند، با وجود اینکه امام(ره) می‌کوشد گروه‌هایی مانند جامعه و مجمع روحانیون مبارز کنار هم بمانند حتی بنی‌صدر را هم با جریان حزب جمهوری‌راشدن دارد، باینی‌ها می‌گوید ما نمی‌توانیم با هم کار کنیم. احتمالا باینی‌ها فکر می‌کردند می‌توانند یکدیگر را حذف کنند و راه افزایش قدرتشان حذف رقیب است. نورث می‌گوید زمانی که بلوک‌های قدرت تصورش‌ان این باشد که می‌توانند یکدیگر را حذف کنند و پروژه مشترکی تعریف نمی‌کنند؛ یعنی نزاع قدرت همچنان وجود دارد. مانند بچه‌هایی که از دعوا کردن خسته می‌شوند، بلوک‌های قدرت هم باید آن‌قدر با هم دعوا کنند که دعوا کنند که خسته شوند. تاریخ انگلستان را که بررسی کرده‌اند به همین صورت بوده است. به نظر بلوک‌های قدرت در ایران آن‌قدر با هم دعوا کرده‌اند که در جاهایی خسته شده‌اند. در دهه ۶۰ جریان چپ پیشتاز حذف بود. در دهه ۷۰، جریان چپ چوب حذف را خورد و موازنه تغییر کرد و چپ فهمید چقدر حذف‌کردن بد است. در دهه ۸۰ احمدی‌نژاد به راستی‌ها نشان داد چقدر بد است که این‌طور حذف کنند. خوشبختانه همه طعم تلخ حذف سیاسی را چشیده‌اند و احتمالا بسیاری از جریان‌ات متوجه شده‌اند که نمی‌توانند رقیب را حذف کنند و حذف در نهایت به زیان آنهاست. کتاب «انقلاب باشکوه انگلستان» را بخوانید، جریان‌های سیاسی در انگلستان دقیقا صد سال درگیر حذف‌کردن یکدیگر بودند؛ اما در قالب‌های دینی. هرکدام از آنها یک فرقه از مسیحیت بودند و هرکدام که به قدرت می‌رسید به دیگری رحم نمی‌کرد. بعد متوجه شدند فرقه‌گرایی دینی لعابی است برای نزاع قدرت؛ یعنی جنگ برای بر سر قدرت ماندن است؛ بنابراین جنگ‌ها را کنار گذاشتند و پروژه‌های مشترک تعریف کردند. به نظر جریانات سیاسی در حال حاضر این قدر مسائل حاد دارند که باید پروژه مشترک تعریف کنند.

۲ **ما** به صورت مثال حذف بارانه‌ها می‌تواند یک پروژه مشترک باشد، زیرا کسانی که سرمدمار پایه‌گذاری این روند اشتباه در مجلس اصولگرایی هشتم و نهم بودند، در مناظره با شما و دیگران مدعی هستند چرا دولت حذف نمی‌کند و کسی نمی‌گوید در این پنهان‌کاری ذاتی اقتصاد ایران‌بازن چطور می‌توانیم این شناسایی را انجام دهیم؟ نمی‌گویند یا همه را حذف کنیم و بگوییم فقط افسراد نیازمندی که ما احصا می‌کنیم بارانه دریافت کنند، با همین وضعیت را اصلاح کنیم؟ طرف دیگر هم که می‌گوید پرداخت بارانه نقدی دورریختن ثروت ملی کشور است، این پروژه مشترک است و وزارت رفاه هم متولی این ماجراست. چرا امکان اینکه این پروژه مشترک تعریف شده و جلو برده شود وجود ندارد؟

طرفیت‌های مذاکره و و ارتباط‌گیری‌مان محدود است. مثالی در حوزه رفاه اجتماعی می‌زنم. بعد از سال ۹۲ وقتی بحث سبد کالا شد، دولت اعلام کرد قرار است به کارگران سبد کالا بدهد. ما گفتیم ما کالا به کمیته امداد و بهزیستی تعلق گیرد. جریانات کارگری گفتند چرا به ما اختصاص نمی‌دهید؟ مجلسی‌ها گفتند چرا به سایر فقر نمی‌دهید؟ ما گفتیم پولی که دولت می‌تواند هزینه کند در هر نوبت ۲۰۰ میلیارد تومان است و اگر بخواهیم به هر نفر ۷۰ هزار تومان بدهیم همین دو جامعه (کمیته امداد و بهزیستی) را پوشش می‌دهیم نه بیشتر. برای اینکه بتوانیم این کار را انجام دهیم آقای ربیعی با همه خبرنگاران صحبت کرد و گفت وضعیت چنین است. از شما خواهش می‌کنم این‌ها فضا را داغ نکنید که بگویید کارگران بدتر هستند و تکلیف کشاورزان چیست. این میزان پول بیشتر نیست و دولت متضیقه مالی دارد و نمی‌توانیم به همه سبد کالا بدهیم. همکاران ما در جلسات مختلف شرکت کردند و ما متنی درباره فقر خوراکی تهیه کردیم که برای همه نمایندگان مجلس فرستادیم که این استان‌ها دچار فقر خوراکی هستند و خواهش می‌کنیم همکاری کنید. یعنی که حمایت‌طلبی اجتماعی نشان‌بشد تا بتوانیم در این پروژه به این تعداد افراد سبد کالا بدهیم. پروژه بارانه‌ها

هم همین است. درباره حذف سه‌میلیون نفر که تا به حال انجام شده نمی‌دانیم با کدام گروه صحبت کنیم. جریانات سیاسی در ایران متشکل نیستند یعنی من اکنون می‌خواهم درباره حذف یارانه‌ها صحبت کنم، با چند نفر باید صحبت کنم؟ جریانات سیاسی ایران مثل کارخانه‌هایش کوچک هستند؛ یعنی باید با آقای X و Z صحبت کنید، آنها هم رابط تشکیلاتی ندارند. در حوزه آسیب‌های اجتماعی فکر کردم امری است که باید وفاق اجتماعی ایجاد کنم و در خانه احزاب صحبت کردم که روند آسیب‌های اجتماعی اینها هستند. ایجاد وفاق در ایران برای هر پروژه‌ای کار طاقت‌فرسایی است. چون همه احزاب گروه‌های کوچک هستند که می‌توانند ترمزهای خوبی باشند یا موتور قوی نیستند. ماشین سیاست‌گذاری در ایران صدها ترمز دارد و یک موتور نیوزیم.

۲ **چون حریضان شاخه‌بندی نشده و معاونت‌های مختلفی در حریشان وجود ندارد. فقط ۱۰ نفر در کنار هم هستند.**

اما این ۱۰ نفر قدرت ایجاد موج دارند؛ یعنی می‌توانند حداقل در فضای عمومی اختلال ایجاد کنند، بنابراین می‌توانند ترمز باشند؛ اما نمی‌توانند محرک و تسهیل‌کننده کارهای ما باشند. اما در حوزه یارانه‌ها دقیقا تا وقتی به پروژه مشترک جریانات سیاسی تبدیل نشود، هر جریانی که بخواهد پیشگام شود صندوق‌های رای را از دست می‌دهد. در حوزه صندوق‌های بازنشستی، بعد متوجه شدیم صنعتی‌کردن ایران هم همین‌گونه است. همه پروژه‌های اقتصادی در ایران پروژه اقتصاد سیاسی هستند. در ایران صنعت فولاد را ببینید. ۵۰ برابر کره، کارخانه فولاد داریم و یک‌سوم کره، فولاد تولید می‌کنیم. مگر می‌توانیم صنعت فولاد را که جزء صنایع مادر است، بدون جابه‌جایی و تعطیل‌کردن این واحدها تغییر دهیم؟ این کار اصلا شدنی نیست. کدام جریان سیاسی است که بتواند بگوید فولاد فلان استان باید تعطیل شود تا من بتوانم پنج کارخانه بزرگ کنار دریا بزنم؟ چون خیلی‌ها می‌توانند از این نزاع قدرت سوءاستفاده کنند. یکی از این جریان‌های مخالف، منطقه‌گرایی غیراصولی است، هر نماینده می‌خواهد یک پتروشیمی در روستایش داشته باشد. هم روستا را به خاطر بلغیدن سرفه‌های زیرزمینی آب نابود و هم امکان بزرگ‌شدن مقیاس تولید را در صنعت پتروشیمی کم می‌کنند. در استان سمنان نه در دولت آقای روحانی، از دولت‌های قبل، به اندازه کشور چین کارخانه مونتاژ موتورسیکلت داریم. آن‌قدر در ایران تعداد موتورسیکلت‌سازی زیاد است که همه می‌توانند موتورآزار باشند و نمی‌توانند انباشت دانش ایجاد کنند. حال یک جریان سیاسی می‌خواهد اینها را ساماندهی کند. بقیه جریانات سیاسی فوراً می‌توانند از این کار اصولی استفاده و او را حذف کنند. اما سؤال شما خیلی جدی است. چگونه می‌شود با هم یک ایده مشترک را انجام دهیم؟ به نظر مرحله اول این است که بفهمیم یکی از تلقی‌هایی که اجازه نمی‌دهد کار کنیم، این است که فکر می‌کنیم بالایی همه‌کاره است. بالایی مثل پدری است که بچه‌هایش با هم دعوا می‌کنند. این دعواها پدر را از حالت قاضی بیرون می‌آورد، یعنی هر زمان باید جانب یک طرف را بگیرد. اما اگر بچه‌ها عاقل باشند، لازم نیست پدر وارد نزاع‌ها شود. این تفکر که همه فکر می‌کنند تقصیرکار نیستند و ظرفیت‌های خودشان را اصلاح نمی‌کنند، باید تغییر کند. یعنی هریک از طرفین باید بداند که باید ظرفیت‌های مذاکره برای خودشان ایجاد و سازماندهی کنند. اگر طرفین بپذیرند خودشان بخشی از مسئله و خرابکاری می‌شوند، می‌توان تغییرات را ایجاد کرد. تا این تلقی به وجود نیاید، حرکت‌کردن خیلی سخت است.

۲ **به حذف یارانه‌های نقدی به‌عنوان پروژه سال‌ها همیشه حاشیه‌هایی را به همراه داشته است. شاید بتوان برای آن، اعتراض پزشکان در جلوی سازمان هدمندسازی یارانه‌ها را مثال زد، آیا موارد دیگری بوده که علنی نشده باشد؟** افرادی هستند که ثروتمند هستند و به خاطر حذف یارانه اعتراض می‌کنند. مثلا پزشک تخصصی بود که می‌گفت من فوق‌تخصص نیستم که بنده را در حرف کرده‌اید و فرد متخصص را ثروتمند نمی‌دانست. حتی فامیل پزشک ما به حذف‌شدن اعتراض می‌کرد.

اقتصاد سیاسی

ماشین سیاست‌گذاری در ایران صدها ترمز دارد



مه‌دی کروبی

با شخصی ۶۰، ۷۰ خودرو به نامش بوده و می‌گفت چرا یارانه‌ام حذف شده است! نمی‌خواهم بگویم اشتباهاتی نداشته‌ایم، اصلا نمی‌شود خطا را منکر شد، اما درصد خطاهای ما در حد ۱۰ تا ۱۵ درصد است.

۲ **برخی حذف‌شدگان اعتراض می‌کنند که وضعیت رسیدگی به شکایات مردم مشکل دارد. در این زمینه اقدامی صورت گرفته است؟**

سیستم رسیدگی به شکایات یک سیستم روان نیست. این امر یک مشکل در حذف یارانه‌هاست که خوشبختانه در سال جاری تغییر زیادی در آن ایجاد شده است. به کمک کلینیک‌های نگهداری معلولان، یک شبکه ملی ایجاد کردیم. در تهران ۱۵۰ معلول با مردم تماس می‌گیرند و علت حذف یارانه‌ها را به ما می‌گویند. درواقع شیوه به این شکل است که معترض اول باید در سامانه اعتراض خود را ثبت کند. بعد با تلفن با آنها تماس گرفته شده و سپس بررسی میدانی می‌شود. در هر کدام از این مراحل هم درزش‌هایی وجود دارد و افرادی انصراف می‌دهند. درصد خطای ما حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد است. یکی از مشکلات ما به این برمی‌گردد که معیارهای خیلی روشنی برای جرایب حذف یارانه‌ها به مردم اعلام نشده که آن هم بحث کارشناسی است. می‌گویند اگر معیارها خیلی روشن اعلام شود، مردم تغییر رفتار خواهند داد، اما دلیل حذف را به مردم به‌روشنی می‌گوییم. متأسفانه پرداخت یارانه نقدی به همه افراد، سستی را ایجاد کرده که در برابر حذف آن مقاومت وجود دارد.

۲ **بعضی‌ها استدلالشان این بود که ما دو میلیون تومان درآمد داریم اما بیمار صعب‌العلاج در منزلمان داریم.**

بیماران خاصی که کم مخصوص دارند و در ایران ۱۸۰ هزار نفر هستند، کم ملی‌شان را از وزارت بهداشت گرفته‌ایم. اما برخی بیماران خاص مثل نیروهای مسلح را به خاطر امنیتی‌بودن در اختیار نداریم.

۲ **به نظر‌تان تعداد یارانه‌بگیران در نیروهای مسلح چند نفر هستند؟**

در نیروهای مسلح در جریان نیستیم چون پولشان را سرجمع به نیروهای مسلح می‌پردازیم و آنها تقسیم می‌کنند. یا بیمار خاصی که کارت بیماری خاص نگرفته است، می‌تواند جزء اشتباهات باشد یا معلولانی که گذشته را بهزیستی مراجعه نکرده باشند. در پیمایشی که ایسپا برای ما در سطح ملی انجام داد، همه می‌گفتند پدرآمردها باید حذف شوند اما پدرآمردها را یک گروه بالاتر از خودشان تعریف می‌کردند. در کل حذف یارانه‌ها نیازمند وفاق سیاسی است. علاوه بر آنکه اگر بتوانیم سیستم رسیدگی‌مان را تقویت کنیم و شبکه‌مان را گسترش دهیم، می‌توانیم بگوییم در شناسایی وضعیت خوبی داریم. فقط قوه قضائیه به ما کمک می‌دهد. ما اطلاعات املاک را بدهد، اما سازمان ثبت اسناد و املاک می‌گوید چون ما سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، باید هزینه آن را بپردازید. حالا هم هزینه‌ای طلب کردند که از بودجه وزارتخانه خارج است.

۲ **در جریان مصوبه اخیر مجلس برای حذف یارانه پرداخت‌آمدها، جالب است که با نمایندگان مجلس صحبت می‌کنیم می‌گویند ما نقتیم ۲۴ میلیون. اما دولت بارها روی این عدد تاکید کرده است. ماجرا چیست؟** می‌گویند نمی‌دانیم چه تعدادی است، اما سه دهک یعنی همین! کوپی برخی افراد هنوز مفهوم «دهک» را نمی‌دانند. ۳۰ درصد جمعیت ایران نزدیک به ۲۴ میلیون نفر می‌شوند.

۲ **در ماجرای انصراف از یارانه‌های نقدی و همراهی نکردن مردم با این طرح، واکنش‌های مسئولان در دولت چه بود؟** قبل‌از نظر‌سنجی‌ها هم اینها را نشان می‌داد. به همین دلیل انصراف‌دادن مردم غیرمنتظره نبود.

۲ **پس قبول دارید پول دادن به مردم آسان است اما پس گرفتنش راحت نیست...؟** به همین خاطر مجبور به حذف یارانه‌ها شدیم. اما جالب است بدانید بخش‌های زیادی از مردم که می‌دانند دولت یازدهم باید اشتباه دولت گذشته و مجالس هفتم و هشتم را که آن روز سر تا پا حمایت از یارانه نقدی بودند و حالا همه مدافع حذف یارانه‌ها شده‌اند، را اصلاح کند. دولت یازدهم در حوزه‌های قدم

گذاشته که هیچ نقشی در ایجاد آن نداشته، وقت افرادی که آن را پدید آورده‌اند، حالا به اهرم فشار علیه این دولت تبدیل شده‌اند. جالب است که مردم به‌خوبی این مسائل را می‌فهمند و تجزیه و تحلیل می‌کنند. رای به فهرست امید در تهران نشان داد که رای تهرانی‌ها تابع حذف یارانه‌ها نبود.

۲ **جامعه ایرانی یک مقدار عجول و کم‌حوصله است. کاری بوده که انجام داده باشید و مردم در اشتغال و رفاه احساس کرده باشند؟**

اشتغال عمومی و مسکن اجتماعی را در برنامه‌ها داریم که در حد پیشنهاد است و هنوز انجام نشده. در حال حاضر دولت پولی برای اجرای آنها ندارد. در کل نگاهمان باید به سیاست‌گذاری عوض شود. به‌طور مثال، پیش‌خريد محصولات اقشار کم‌درآمد را در ۱۰ استان شروع کرده‌ایم؛ یعنی کسانی که زندانی هستند، زنان سرپرست خانوار یا تحت تکفل بهزیستی هستند، محصولاتشان در شبکه‌ای به دیجی‌کالا فروخته می‌شود. این کار در فروشگاه‌های زنجیره‌ای شده و قرار است در سطح ملی انجام شود. چنین مواردی اصلا نیازی به پول ندارد. اینکه اشتغال را در یک شبکه اجتماعی وارد در کنار آن اعتماد ایجاد کنیم، خیلی مهم است. یعنی وقتی از کسی کالایی را پیش‌خريد می‌کنم و ۵۰۰ هزار تومان می‌دهم، مطمئن باشم کالا به دستش می‌رسد. اگر این شبکه را ایجاد کردیم، مثل درست‌کردن اتوبان است. در سیستم اشتغال، اتوبان‌ها را ایجاد نکرده‌ایم. مثلا کاراکارت، مطالعات ما می‌گوید کارت اعتباری نوعی بیمه برای فقراست. مثلا من به دو میلیون تومان احتیاج پیدا می‌کنم و کارتم موجودی ندارد، باید بتوانم با این کارت، خرید کنم و زمانی که پول به حسابم آمد، مبلغ آن را واریز کنم. در واقع خرید اعتباری انجام دهم. این سیستم در ایران وجود ندارد. این سیستم را برای کارگران تأمین اجتماعی راه‌اندازی کرده‌ایم. ۴۰۰ هزار کارت صادر شده و در بانک‌های رفاه مانده و مردم استطاعت می‌کنند.

۲ **علت آن چه بوده است؟**

شاید در تبلیغات ضعیف بودیم یا مردم بی‌اعتماد هستند؛ در برخی جاها نیز بسیار حیرت‌انگیز بوده است. کارمند بانک به مردم گفته است باید سفته و ضامن بیاورند. سقف استفاده از این کارت‌ها ۱۰ میلیون تومان است. ما از فروشگاه‌ها پرسیده‌ایم چه حاضر هستند یا این کارت‌ها اجناس را فقط بفروشید؟ فروشگاه‌ها می‌خواهند بدانند چه تضمینی برای برگشت پولشان وجود دارد. یک سال زمان برده تا سیستم IT تضمین پرداخت بین سازمان تأمین اجتماعی، بانک‌ها و فروشگاه‌ها ایجاد شده است. در خرید اعتباری برای حمایت از صنایع دولتی، دولت چهار هزار میلیارد تومان هزینه می‌کند. فرق ما از آن است که هیچ پولی صرف نکرده‌ایم، یعنی نداریم که بدهیم. ولی برای مصرف‌کننده همان جذابیت را دارد. در طرح ما امکان خرید کالای ایرانی و خارجی وجود دارد و تفاوت عمده این است که همیشه این کارت قابل‌استفاده است. اما در خرید اعتباری لوازم خانگی، کارت یک بارمصرف است. اگر قرار باشد این طرح را برای فقرا ایجاد کنیم، سیستم حقوقی باید اجازه دهد.

در ایران هیچ تضمینی وجود ندارد.

۲ **راهکار چیست؟**

در کشورهای دیگر از فرد تعهدی می‌گیرند که پولش در هر حسابی بود به خریدار داده شود. این تضمین حقوقی است و اگر اجرا شود صد هزار میلیارد تومان ارزش دارد و آسیب‌های معمولی و گذشته را ندارد. در گذشته وام می‌دادیم و چون نظام بازپرداخت خوب تعریف نشده بود، پول برنمی‌گشت. این دورا با هم مقایسه کنید. یک سیاست‌مدار صد هزار میلیارد تومان اسکناس چاپ می‌کند و این پول برنمی‌گردد، یک نفر دیگر می‌خواهد سیستمی حقوقی درست کند که خودش کار کند. به نظر کار سیاست‌گذار این است که حقوق مالکیت را در کشور درست و امکان مبادله را فراهم کند. اگر این کار را کند، مردم خودشان خیلی از مشکلات را حل می‌کنند. مثلا در زمینه مؤسسات خیریه هم این کار را انجام می‌دهیم که هم‌افزایی کنند که البته مسیری طولانی دارد.

۲ **به مؤسسات خیریه اشاره کردید. مؤسسه نذر امام‌رضاع) در اصفهان فعال است و برای معلولان، زنان سرپرست خانوار و افسراد واجد شرایط دیگر از نظر این مؤسسه، کارایی می‌کند، اما در کنار آن به کارفرمایان می‌گوید می‌توانید از این افراد برای کارآموزی استفاده کنید یا حداقل حقوق را پرداخت کنید که تگرنای عمده‌ای ایجاد کرده است. یک عده موافق این کار هستند که این افراد مشغول به کار شوند اما از طرف دیگر، ايجاد در حق کسانی است که شاغل هستند و فعالیتشان به خطر می‌افتد.**

این کار که کمتر از حداقل دستمزد پرداخت کنند، خلاف قانون است. متأسفانه در زمینه صدور مجوز خیریه‌ها مشکلاتی وجود دارد. این مؤسسات، هم زیر نظر ما و هم زیر نظر نیروی انتظامی هستند، اما درعین حال می‌توانند از جاهای مختلف مجوز بگیرند. برای **یعنی یک جای واحد برای اخذ مجوز برای آنها وجود ندارد؟** خیر. وزارت کشور می‌گوید کل این سیستم باید زیر نظر ما بگذرد. بهزیستی هم این نظر را دارد. اما در زمینه امور خیریه، ایده خیر جمعی وزیر مطرح شد که طبق آن قرار بود مدام نکوییم خیریه پول است، هرکسی در هر شغلی که هست، خدماتی به مردم ارائه دهد. چون برای خیلی‌ها شاید کمک نقدی مشکل باشد یا حاضرند یک هفته خدمات ارائه دهند. به سمتی می‌روند که از افراد، خدمات خیریه بگیرند.

یادداشت

بنزین دونرخی، تهدیدها و راه‌حل‌ها

محمد ابراهیمی*

● براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی درباره دونرخی‌شدن قیمت فروش بنزین، دولت موظف است ضمن به‌کارگیری مجدد سامانه هوشمند سوخت، قیمت این فراورده نفتی بازارش را برای آن دسته از مصرف‌کنندگانی که بیش از سقف تعیین‌شده، از بنزین استفاده می‌کنند به قیمتی معادل نرخ فوب خلیج فارس به‌علاوه قیمت تمام‌شده داخل به فروش برساند.

مصوبه‌ای که در صورت ابداع، ضمن توقف اقدامات قبلی دولت که منجر به تک‌نرخی‌شدن بنزین شد، چالشی بزرگ را پیش‌روی دولت قرار خواهد داد. چالشی که رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزیر نفت و رئیس اتحادیه جایگاهداران بنزین و اکثریت بدنه کارشناسی دولتی و غیردولتی متفق‌القول از آن به عنوان «فساد» یاد می‌کنند.

البته فساد به نظر مسئولان و دست‌انکاران نظام توزیع فراورده‌های نفتی، قطعا به سوءاستفاده‌های احتمالی از سهمیه کارت‌های هوشمند سوخت و آنچه اغلب اقشار جامعه قیلا با آن مواجه شده بودند محدود نمی‌شود و مشکلات وسیع‌تری مثل موانع موجود در مسیر محاسبه قیمت تمام‌شده، مشکلات ناشی از تسویه‌حساب با جایگاهداران بابت فروش بنزین به دو نرخ و... را دربر می‌گیرد. اگرچه پیشنهاددهندگان طرح دونرخی‌کردن قیمت بنزین مدعی هستند اجرای این طرح منجر به «کاهش مصرف بنزین» از طریق برنامه‌های سهمیه‌بندی و «کاهش هزینه‌یشتش» از طبقه برعکس می‌شود، اما در طرح مصوب‌شده، نته‌ها اثری از خط‌مشی‌های روشن که متضمن تحقق اهداف طراحان باشد وجود ندارد، بلکه تکلیف مقرر (با توجه به پیچیدگی‌های موجود در مصوبه)، عملا دولت را با درسرف‌های بزرگ مواجه خواهد کرد که این درسرها طبیعتا شفافیت حاصل‌شده ناشی از تک‌نرخی‌کردن بنزین را از بین برده و از آنجایی که رابطه بین فساد و شفافیت یک رابطه معکوس است، ناگزیر منجر به افزایش فساد در این حوزه می‌شود. باین‌همه، تاکید مسئولان وزارت نفت بر اجرای امضوبه مجلس (درصورت ابلاغ) در مهلت چهارماهه تعیین‌شده، این سؤال در این میان می‌کند که برنامه دولت برای فروش بنزین به دو نرخ چیست؟

آن طور که عباس کاظمی، معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی مدعی شده، قرار است سهمیه بنزین برای نرخ اول به‌گونه‌ای باشد که نیازی به اشتداد از نرخ دوم نباشد. این اظهارنظر معاون وزیر نفت واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت که عمدتا از آن به عنوان «دورزدن مصوبه مجلس» یاد کردند و با رمزگشایی کل سخنان این مقام مسئول، به این‌جمع‌بندی رسیدند که دولت قصد دارد با تعیین سهمیه یاه در «حد بالا»، عملا مصرف‌کنندگان را به ذهن‌توان سهمیه دادن کند. با فرض اقدام وزارت نفت مطابق آنچه از موضع‌گیری اخیر معاون وزیر نفت استنباط می‌شود و تعیین سهمیه کافی برای مصرف‌کنندگان، نباید با تعابیری نظیر آنچه در بالا گفته شد، وزارت نفت را متهم کرد و البته باید این حق را به دولت داد که از «انتخابات‌ها» در مصوبه مجلس» به‌نفع مواضع خود بهره‌برداری کند تا اثرات منفی ناشی از فروش دونرخی را که محل اشکال اکثر صاحب‌نظران است به حداقل برساند. اقدامی که اگرچه مانع از ضرر بیشتر برای دولت است، اما برای دولت که براساس برنامه‌های دولت، قیمت بنزین را به سمت تک‌نرخی‌شدن هدایت کرده بود، کافی نیست و همین کفایت‌ناداشتن و نارضایتی علنی دولت از آن، پیگیری سیاست‌ها را در بخش قیمت‌گذاری بنزین مه‌تر از گذشته می‌کند. اگرچه جلوگیری از ضرر و دفع اثرات منفی رجعت به سیاست سهمیه‌بندی و دونرخی‌کردن قیمت بنزین نوعی منفعت را عاید دولت می‌کنند، اما این تمام کار نیست و باید توجه کرد که اولاً در مصوبه، دولت مکلف شده است تا بنزین سهمیه یاه را براساس قیمت پایان سال ۱۳۹۴ عرضه کند، بنابراین طبیعتا امکان افزایش قیمت بنزین در سال ۱۳۹۵ متصور نیست و به همین دلیل دولت را که احتمالا در تأمین منابع نقدی مورد نیاز خود حساب ویژه‌ای روی افزایش قیمت حامل‌های سوخت در سال جاری باز کرده بود، با دشواری جدی مواجه می‌کند و تأنیا در خوش‌بینانه‌ترین شرایط استفاده از سهمیه دوم به سفر نمی‌رسد و معضل دونرخی‌مانند بنزین همچنان پای‌را خواهد ماند.

آنچه محرز است اینکه مجموعه تصمیم‌گیران در وزارت نفت به‌سرخط برگشته‌اند و از روز ابلاغ مصوبه ناگزیرند در عقب‌گردی آشکار، سیاست‌ها و هدف‌گذاری‌های سال‌های اخیرشان را که منجر به تک‌نرخی‌شدن بنزین شده بود، حداقل برای مدتی متوقف کنند و پس از آن، از تمام ابزارهای خود برای کاهش عوارض فروش دونرخی بنزین بهره گرفته تا در فرصتی مناسب با درنظرگرفتن شرایط اقتصادی کشور، برنامه‌های خود به‌منظور لیل به هدف، یعنی تک‌نرخی‌کردن بنزین را از سر بگیرند یا اینکه دل به تغییرات ایجادشده در ترکیب و آرایش مجلس دهم بسته و کلیه امکانات و ابزارهای قانونی خود برای اصلاح و تعدیل مصوبه مجلس فعلی را به کار بگیرند.

● **کارشناس صنایع پایین‌دستی نفت**